

گزارشی از یک آکسیون در حمایت از تحریم «انتخابات»

در هفته های اخیر که ندهای تحریم انتخابات همه جا در ایران و خارج شنیده می شد، جمعی از ایرانیان از افق های مختلف چپ و دموکرات، وظیفه ی خود دانستند که با این ندای مقاومت همصدا باشند. لذا کمیته ای در پاریس، برای برپایی یک آکسیون حمایت از تحریم «انتخابات» و نیز پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران، تشکیل شد و برای یک گرد هم آبی در روز جمعه ۱۷ ژوئن ۲۰۰۵ برابر با ۲۷ خرداد (روز انتخابات در ایران) ساعت ۱۹ تا ۲۳ در محوطه ی معروف حقوق بشر در میدان تروکادرو (پاریس) فراخوان داده شد.

گردهم آبی با استقبال خوبی روبرو گشت و پوران بازرگان از سوی کمیته مطالبی درباره ی اهداف این آکسیون دستجمعی به شرح زیر بیان کرد:

«ما مخالفان رژیم جمهوری اسلامی، امروز، اینجا گرد آمده ایم تا در این مکان نمادین (که فریاد علیه نقض حقوق بشر هر روز در آن طنین انداز است) با صدای بلند اعلام کنیم که ما نیز همصدا با بخش وسیعی از مردم ستمدیده و آگاه ایران به این رژیم فاسد «نه» می گوئیم. ما هم از تحریم انتخابات، از طرد و نفی کل رژیم جانبداری می کنیم.

بایکوت و تحریم همه جانبه، سزای رژیمی ست که بیش از یک ربع قرن خویش را بر جامعه ی ایران تحمیل کرده و در راه جا انداختن سلطه ی مافیایی خود از انواع وسایل فریب و سرکوب، از جمله عقاید مذهبی و سنتی مردم، سوء استفاده کرده است.

– رژیمی که برای ادامه ی حاکمیت خود نیمی از جامعه ی ایران یعنی زنان را مشمول تبعیض نموده و نه تنها آنها را مجبور به حجاب کرده، بلکه در بسیاری موارد حقوقی، آنها را نصف مرد به شمار آورده سزاوار تحریم است. ما با زنان شجاعی که اعلام کرده اند «حال که به نظر رژیم، زنان فهمشان کم است و حق ندارند برای به عهده گرفتن مسئولیت ها انتخاب شوند، بنابراین ما رأی نمی دهیم» و راه بایکوت و تحریم در پیش گرفته اند همصدا هستیم و موضع گیری این زنان مبارز را تأیید می کنیم.

– رژیمی که نه برای کارگران، نه برای دیگر زحمتکشان، نه برای نویسندگان حق تشکل مستقل قایل نیست و آنها را می رباید و می کشد سزاوار تحریم و طرد است.

– رژیمی که کوشید زندانهایش را با اعمال شکنجه دانشگاه بنامد ولی در واقع دانشگاهها را به زندان بدل کرد و دانشجویان و استادان را از جمله به دست امثال همین مصطفی معین، تصفیه نمود و دانشجویان مبارز و روزنامه نگاران و نویسندگان و وکلای مدافع را از چندین سال پیش تا کنون در سیاهچال نگه داشته سزاوار تحریم است.

– رژیمی که مخالفان را که غالباً از نیروهای ترقی خواه و مبارز ضد استبداد و جانبدار آزادی و برابری و عدالت اجتماعی بوده اند سرکوب کرده و در کارنامه ی سیاه خویش کشتار ده ها هزار نفر در زندانها و شکنجه گاهها را ثبت کرده سزاوار تحریم است.

– رژیمی که با دامن زدن به جنگ هشت ساله باعث نابودی صدها هزار نفر و ویرانی شهرها و آوارگی میلیونها نفر شد و آن را برکت و نعمت الهی نامید سزاوار تحریم است.

– رژیمی که تبعیض شرم آور بین مسلمان و غیرمسلمان، سنی و شیعی، فارس و غیرفارس و تبعیض های دیگر برقرار کرده و جنایت های نژادپرستانه از جمله در رابطه با افغانی ها مرتکب شده و راه را برای اختلافات هول

انگیز در آینده فراهم کرده سزاوار تحریم است.

– رژیم‌ی که دستاورد ۲۵ ساله اش افزایش شکاف بین فقرا و اغنیا، بیکاری و گرسنگی و فقر و فحشاء و پدیده‌ی کارتون خوابها و کودکان خیابانی و نومیدی و بی‌اعتمادی جوانان به آینده است سزاوار تحریم است.

– رژیم‌ی که زندانهایش روی رژیم ددمنش پهلوی را سفید کرده و گورهای دستجمعی قربانیان اش را به عنوان اسناد جنایت ضدبشری باید به دادگاه‌های صالح بین‌المللی سپرد سزاوار تحریم است.

– رژیم‌ی که کاندیداهای مجازش یکی از دیگری فاسدتر و دزدتر و حریص‌تر و دستشان همگی به جنایت آلوده است، از رفسنجانی گرفته تا آدمکشان پاسدار، اینها همه سزاوار نفرت و تحریم اند.

«نه» به رژیم، آری گفتن به قابلیت جامعه‌ی ما برای به دست گرفتن سرنوشت خویش است. جامعه‌ی ایران شایسته‌ی دموکراسی ست، نه رعیت شاه است نه مهجور و مقلد امام! فریاد تحریم انتخابات «نه» گفتن به کل رژیم از صدر تا ذیل است. هرگونه تلاش برای توجیه همکاری با این رژیم، چه از داخل و چه از خارج، زیرپا گذاردن استقلال طلبی و جنبش اعتراضی رو به اعتلای مردم ایران است.

تحریم انتخابات یعنی طرد رژیم، یعنی اقدام به حرکتی درازمدت و مجدانه که اگر پی گرفته شود می‌تواند آغاز پایان رژیم باشد و مستلزم صبر و پایداری و داشتن بدیل مستقل، لاییک، دموکراتیک و مردمی ست. تحریم انتخابات یعنی دست ارادل از سر مردم ایران کوتاه! یعنی دست جهانخواران آمریکایی و غیره نیز که برای چپاول بیشتر ایران دندان تیز کرده اند کوتاه!

دموکراسی مسأله‌ی اساسی توده‌های ستمدیده‌ی ایران است نه مسأله‌ی آقای بوش که در رأس ارتجاع جهانی قرار دارد. مردم ایران دموکراسی را در مبارزات خود می‌آموزند و آن را تحقق می‌بخشند. نمونه اش بسیج برای تشکل‌های مستقل، تظاهرات زنان، تجمع شبانه روزی جلوی زندان اوین و غیره است.

مردم ستمدیده‌ی ایران با این رژیم قهرند. معدودی متزلزل که سر آشتی دارند به تجربه‌ی مردم بهایی نمی‌دهند. با تحریم قاطع رژیم و اتکاء به دموکراسی توده‌ها ارادل و اوباش حاکم را باید بیرون ریخت».

پس از ایراد مطالب فوق، با تاریک شدن هوا، حاضران شمع یا مشعل‌هایی به دست گرفتند و به یاد زندانیان سیاسی اعتصابی و حمایت از آنان و اعتراض به اوضاعی که در ایران می‌گذرد گردهم آیی خود را به پایان بردند.

کمیته‌ی حمایت از جنبش تحریم «انتخابات» ریاست جمهوری در ایران – پاریس

۱۸ ژوئن ۲۰۰۵